

▼ من مساله این نشست را در قاب بزرگتری می‌نشانم و به پرسش مطرح شده از منظر ماکرو می‌نگرم: هر سیاست و اقدامی که بار و وزنی در جهت رفع سه عارضه یا تخفیف سه بحران موجود در آموزش و پرورش را داشته باشد قابل دفاع و خواستنی است. منظور بحران‌های کیفیت، عدالت و مشروعیت است.

▼ این سه عارضه در پیوند با موضوع آموزش زبان خارجی ما را به این پرسش خاص هدایت می‌کند که چگونه می‌توان از دریچه این حوزه یادگیری به بحران‌های سه‌گانه نگریست و درباره نقش عملکرد نظام آموزشی در تشدید یا تخفیف این سه بحران سخن گفت؟ چه سیاست‌هایی در این زمینه به تشدید یا تثبیت بحران کیفیت، عدالت و مشروعیت منجر می‌شود و چه سیاست‌های به کاستن از این شدت کمک می‌کند؟

▼ عملکرد در حوزه یادگیری زبان خارجی (به‌ویژه زبان انگلیسی) اتفاقاً برای کثیری از ذینفعان خصوصاً طبقه متوسط به بالا یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سلامت یا بحران‌زدگی آموزش و پرورش تلقی می‌شود و از این حیث شاید با حوزه‌های یادگیری دیگر تمایز اساسی داشته باشد. یعنی دست‌کم طبقه متوسط و مرفه جامعه در قضاوت خود نسبت به عملکرد این دستگاه انقدر که روی قابلیت فرزندانشان در زبان خارجی (انگلیسی) تکیه می‌کنند بر قابلیت‌های دیگر تکیه نکنند. به عبارت دیگر، نماد روزآمدی آموزش و پرورش مدرن بیش از هرچیز، کارآمدی آموزش زبان خارجی شده است. چون این قابلیت را برای آینده فرزندان خود در عصری که جهانی است و مرزهای جغرافیایی درنور دیده شده است، کلیدی‌ترین یا در زمره کلیدی‌ترین‌ها می‌دانند.

▼ این سخن به زبان بحران‌های سه‌گانه‌ی مشروعیت، کیفیت و عدالت یعنی چه؟ یعنی تغییر محسوس و معنی‌دار در عملکرد این عرصه قضاوت عمومی در ارتباط با کل آموزش و پرورش را به نفع نرمال یا قابل قبول تلقی شدن وضعیت در ابعاد مشروعیت، کیفیت و عدالت تغییر می‌دهد.

▼ پس سیاستگذاران نظام‌های آموزشی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌توانند سرمایه‌گذاری برای بهبود عملکرد آموزش زبان خارجی (انگلیسی) را یکی از پربازده‌ترین و ثمربخش‌ترین سیاست‌های اصلاحی بشمارند و به همین اعتبار سرمایه‌گذاری در این زمینه را در اولویت قرار دهند.

▼ من صحنه‌ی آموزش و پرورش خودمان را این‌گونه نمی‌بینم (مثلاً در شایستگی‌های عمومی که اخیراً در سازمان پژوهش تدوین شده نشانی نیست. حتی در خرده

شایستگی‌های چهار شایستگی اصلی نیز جایی برای زبان خارجی نیست!!! البته باید امیدوار باشیم که در مرحله سطح‌بندی شایستگی‌ها که هم‌اکنون در دست اقدام است ذیل شایستگی ارتباط مسئولانه و موثر مورد توجه قرار گیرد). این بی‌توجهی یا کم‌توجهی البته دلائل بیش‌و کم شناخته شده‌ای هم دارد. شاید مهم‌ترین آن‌ها دغدغه‌های فرهنگی باشد که در جای خود قابل فهم است. اما نباید از ترس دست به خودکشی زد. من چنین حسی دارم. مواضع محافظ‌کارانه و انقباضی و ترسیم خط‌قرمزهایی که شاید واقعا قرمز نباشند! سالیان درازی است که ما را در حوزه آموزش زبان خارجی (انگلیسی) زمین‌گیر کرده است.

▼ اما بحث من درباره مصوبه فروردین ۱۴۰۲ شورای عالی آموزش و پرورش درباره واگذاری نظارت شده آموزش زبان‌های خارجی به موسسات خارج از آموزش و پرورش و تسری احتمالی آن به زبان انگلیسی: به نظر من این تسری اگر بتواند به کارآمدی در این عرصه کمک کند حتما باید مورد استفاده قرار گیرد. لذا باید با نگاهی باز، هم از سوی مدافعان و هم از سوی مخالفان، مورد بررسی قرار گیرد، شواهد لازم به جامعه علمی ارائه شود تا معلوم شود سیاست بهتر چیست. اما بدانیم ریسک معقول همواره با نوآوری و سنت‌شکنی همراه است و باید این ریسک را پذیرفت و در سایه آن تصمیم لازم را اتخاذ کرد.

👉 **پیشنهاد اصلی** من این است که وخامت حال آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی را به رسمیت بشناسیم و با استناد به تکلیف بند ۵ همین مصوبه‌ی شورایی عالی آموزش و پرورش 👉 که به‌طور ضمنی بر این برآورد صحه می‌گذارد، تدوین سند بالادستی (نظام ملی) آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان یک مساله ملی که طبعا نگاه مشارکتی بر آن حاکم خواهد بود را در دستور کار قرار دهیم که در آن تکلیف ورود موسسات و آموزشگاه‌ها نیز روشن خواهد شد.

«بند ۵: بررسی جامع و کاملی از وضعیت آموزش زبان انگلیسی، همراه با پیشنهادهای کیفی بهبود آموزش زبان ظرف مدت شش‌ماه به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه دهد.»

... در این سند به تحولات حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات هم باید توجه داشت که چه فرصت‌های متنوعی را در اختیار متقاضیان آموزش قرار می‌دهد. آپ‌ها، بات‌ها، روبات‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، آموزش‌های برخط و نابرخط، شبکه‌های اجتماعی و ... فرصت‌های شخصی‌سازی شده‌ی غیرقابل‌تصور در اختیار ذینفعان قرار می‌دهد و رشته‌ی این تحولات به اصطلاح سردراز دارد. یعنی دیگر صحنه یادگیری صفر و یکی (انتخاب میان درون آموزش و پرورش یا موسسات بیرون آموزش و پرورش) نیست و هر یادگیرنده با دنیایی از امکان‌های یادگیری شخصی و

پیوست: متن مصوبه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش

به گزارش مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، مصوبه هزار و بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، در راستای عملیاتی کردن راهکار ۱-۵ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنی بر «ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی- ایرانی» و اصلاح مصوبه جلسه ۶۷۸ شورای عالی آموزش و پرورش تاریخ ۲ آبان ۱۳۸۱ به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود حسب نیازها و تقاضای اجتماعی جدید و با رعایت اصل تنوع بخشی به زبان‌های خارجی، علاوه بر زبان انگلیسی، نسبت به آموزش زبان‌های عربی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، روسی، اسپانیایی و چینی اقدام نماید.

وزارت آموزش و پرورش موظف است:

۱. برنامه درسی زبان‌های خارجی را به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برساند.
۲. مواد و منابع آموزشی- تربیتی مبتنی بر برنامه درسی زبان‌های خارجی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش را با مشارکت سایر بخش‌های دولتی و غیردولتی تألیف، تدوین، متناسب‌سازی یا معرفی نماید.
۳. با اولویت برگزاری کلاس‌های حضوری، در مناطقی که امکان ارائه حضوری زبان‌های غیرانگلیسی وجود ندارد، از طریق آموزش‌های غیرحضوری یا ترکیبی اقدام نماید.
۴. سازوکارهای لازم برای دانش‌آموزان متقاضی یادگیری و ارزشیابی زبان‌های خارجی غیرانگلیسی را در کانون زبان ایران یا سایر مؤسسات تربیتی-تخصصی مورد تأیید وزارت آموزش و پرورش فراهم نماید.
۵. بررسی جامع و کاملی از وضعیت آموزش زبان انگلیسی، همراه با پیشنهادهای کیفی بهبود آموزش زبان ظرف مدت شش ماه به شورای عالی آموزش و پرورش ارائه دهد.

تبصره ۱- دستورالعمل اجرایی این ماده واحده توسط وزارت آموزش و پرورش تهیه و با

امضای وزیر آموزش و پرورش ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۲- با ابلاغ این مصوبه، مصوبات مغایر در مورد آموزش زبان‌های خارجی لغو می‌شود.